



Criticism of Margot Badran's View on Polygamy*

Ali Hassania¹

Afshan Bostakchi²

Abstract

The current research has critically analyzed Margot Badran's opinions regarding polygamy in Islam, which are presented in her "Feminism and Quran" entry in the Leiden Encyclopedia of Quran, and explains its functions. Badran, among the so-called contemporary Islamic feminists, believes that Islam, with the "polygamy" plan, has caused the inequality of the rights of men and women and therefore the injustice of women's rights. By criticizing the position of women in Islam, she tries to show the rights of women over men as a valuable thing, considering the prevalence of monogamy in Western societies. In criticizing this opinion, it should be said that the prevalence of mistresses and the number of sexual mistresses in the West are seriously criticized. What is seen in these societies today is similar to polygamy in the era of ignorance, in which the Holy Quran was limited to four wives, and in the next step, its permissibility is limited to the lack of fear of injustice. So, she not only did not degrade the status of women; rather, it brought her honor. Polygamy in Islam has had some effects: reduction of social anomalies, an increase of cohabitation and legitimate spouse and children, reduction of unaccompanied women and reduction of illegitimate relationships and mistresses are among its functions, which lead to the creation of a healthy society. Of course, if it causes the abuse and lust of men, this will cause the soul and dignity of women to be trampled. Examining Badran's point of view and criticizing it by relying on the functions of polygamy in Islam explains the importance of this issue, and this also mentions the innovative aspect of the issue.

Keywords: Margot Badran, Women's rights, Islamic Feminism, Functions of Polygamy, Leiden Encyclopedia of Quran.

*. **Date of receiving:** 21 January 2022 ; **Date of correction:** 20 February 2022; **Date of approval:** 22 May 2022.

1. Assistant Professor of Shahid University, Department of Quranic and Hadith Sciences; a.hasannia@shahed.ac.ir (Corresponding Author).

2. MS in Quranic Sciences, University of Quranic Sciences and Education, Tehran, a.bostakchi2602@gmail.com



نقد دیدگاه مارگوت بدران درباره تعدد زوجات*

علی حسن‌نیا^۱ و افشان بستاکچی^۲

چکیده

پژوهش حاضر آرای مارگوت بدران را در رابطه با تعدد زوجات در اسلام که در مدخل «فمینیسم و قرآن» وی در دایرة المعارف قرآن لیدن مطرح شده است، به شیوه تحلیل انتقادی مورد نقد و بررسی قرار داده است و کارکردهای آن را تبیین می‌کند. بدران، از جمله فمینیست‌های به اصطلاح اسلامی معاصر، بر این باور است که اسلام با طرح «تعدد زوجات»، موجب نابرابری حقوق زن و مرد و لذا اجحاف در حقوق زنان شده است. وی با انتقاد از جایگاه زنان در اسلام، تلاش می‌کند با توجه به رواج تک‌همسری در جوامع غربی، حقوق زن نسبت به مرد را به‌عنوان یک امر ارزشمند نشان دهد. در نقد این نظر، باید گفت که رواج معشوقه‌گرایی و تعدد معشوقه‌های جنسی در غرب مورد نقد جدی است. آنچه امروزه در این جوامع دیده می‌شود، شبیه تعدد زوجات در دوران جاهلیت است که قرآن کریم آن را به چهار زن محدود کرد و در گام بعد جواز آن را مقید به عدم ترس از بی‌عدالتی دانسته است. با انجام این امر نه تنها جایگاه زن را تنزل نداده؛ بلکه موجب اکرام او شد. تعدد زوجات در اسلام آثاری در پی داشته است: کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی، افزایش زندگی مشترک و همسر و فرزندان مشروع، کاهش زنان بی‌سرپرست و کاهش روابط نامشروع و معشوقه‌گرایی از جمله کارکردهای آن است، که به ایجاد جامعه سالم منجر می‌شود. این امر البته اگر باعث سوءاستفاده و هوس‌رانی مردان شود، موجب پایمال شدن روح و کرامت زنان خواهد شد. بررسی دیدگاه بدران و نقد آن با تکیه بر کارکردهای تعدد زوجات در اسلام اهمیت این موضوع را تبیین کرده و همین امر جنبه نوآوری موضوع را متذکر می‌شود.

واژگان کلیدی: مارگوت بدران، حقوق زنان، فمینیسم اسلامی، کارکردهای تعدد زوجات، دائره المعارف قرآن لیدن.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۰۸.

۱. استادیار دانشگاه شاهد، گروه علوم قرآن و حدیث [نویسنده مسئول]؛ (a.hasannia@shahed.ac.ir).

۲. کارشناسی ارشد علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران؛ (a.bostakchi2602@gmail.com).



مقدمه

ازدواج سنت فطری و طبیعی بشر است که از دیرباز به عنوان یک نهاد اجتماعی شناخته شده و در شریعت و قوانین اسلامی نیز به دیده تأکید و اهتمام به آن نگاه شده است؛ زیرا مصلحت فرد و اجتماع در گرو پیمان زناشویی است. اسلام برخلاف بسیاری از مکاتب که ازدواج را مانعی بزرگ بر سر راه تکامل انسانی دانسته است، آن را امری مقدس و وقوع آن را موجب تکامل انسان، سبب آرامش و امنیت فردی و اجتماعی می‌داند (محقق داماد، حقوق خانواده، ۱۳۸۴: ۷۳). علاوه بر این اسلام ازدواج مرد با چند زن را نیز جایز دانسته و از آن به عنوان «تعدد زوجات» یاد کرده است. تعدد زوجات به معنای چندتن بودن همسران برای مرد در یک زمان است. چندهمسری از جمله مسائل فرهنگی و اجتماعی بوده که در گذر زمان به شکل‌های مختلفی در جوامع و سرزمین‌های مختلف ظهور پیدا کرده و فقط مختص اسلام و جوامع اسلامی نیست.

«تعدد زوجات» از جمله مسائل مناقشه‌انگیز حقوق اسلامی است که از طرف بسیاری از فمینیسم‌ها از جمله مارگوت بدران مورد نقد قرار گرفته است. مارگوت بدران، نویسنده مدخل «فمینیسم و قرآن» در دایرة المعارف قرآن چاپ لیدن (Badran, Islamic Feminism: What's In Name?: 2002)، معتقد است: «اسلام با طرح تعدد زوجات موجب نادیده گرفتن شأن و منزلت زنان و نابرابری حقوق زن و مرد شده است، در حالی که در کشورهای غربی با اجرای قانون تک‌همسری جایگاه حقیقی زن تبیین شده و نسبت به دین اسلام و جوامع اسلامی زن در جایگاه برتری قرار دارد» (بدران، دایرة المعارف قرآن، ۱۳۹۵: ۳۱۶/۴). به عقیده وی جامعه اسلامی جامعه‌ای مردگرا بوده، که هر چه بیشتر سعی بر پایمال کردن حقوق زنان دارد (همان). در کنار سایر مسائلی که فمینیست‌ها در رابطه با حقوق زنان در جوامع اسلامی مطرح می‌سازند (برای نمونه نک: حسن نیا و همکاران، «نقد نظریه الهیات فمینیستی در قرآن از دیدگاه قرآن و روایات»، ۱۳۹۸). عقیده بدران در رابطه با تبیین «تعدد زوجات» به شکل ویژه‌ای خودنمایی می‌کند؛ چرا که به اعتقاد وی در اسلام قوانینی اجرا می‌شود که برگرفته از قرآن و مصادیق قرآنی نیست و مطابقتی با مفاهیم آن ندارد (نک: پارسا، نویسندگان برجسته دیدگاه «زن‌گرایانه اسلامی»، ۱۳۹۵: ۵).

اگرچه بسیاری از متفکران و فمینیست‌های غربی با تکیه بر برخی مشاهدات به بررسی تعدد زوجات در جوامع اسلامی پرداخته‌اند؛ اما عوامل متعددی زمینه‌ساز شکل‌گیری این مسئله در اسلام شده است؛ متغیرهای مستقلی از جمله: میزان تحصیلات مرد، نوع شغل و میزان درآمد مرد، تحمیلی



بودن ازدواج با همسر اول از روی عقاید و انتخاب خانواده، ازدواج‌های خویشاوندی و بروز مشکلات ژنتیکی در فرزندان، نارضایتی مرد از زندگی و همسر اول خود به دلیل مداخله نابه‌جای خانواده زن اول در زندگی زناشویی، نازا بودن زن اول، فوت زن اول و ... از جمله دلایلی است که زمینه چندهمسری را در برخی جوامع فراهم آورده است.

آیه ۳ سوره نساء ضمن تجویز تعدد زوجات، شرط اصلی آن را نداشتن ترس از عدم اجرای عدالت میان زنان بر شمرده است. با اینکه مسئله تعدد زوجات توسط اسلام مطرح نشده و در ممالک پیش از اسلام به صورت گسترده و بدون حد و مرز رواج داشته، اسلام نیز بر آن صحه گذاشته و البته آن را محدود به چهار زن نموده است (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۱۳۷۰: ۳۴۵)؛ به بیان دیگر تجویز تعدد زوجات در اسلام در حقیقت اقدامی اصلاحی است و ماهیت آن اصلاح امر شایعی است که قبل از اسلام به صورت غیر ضابطه‌مند رایج بوده است. کاری که اسلام انجام داده بنا بر ضرورت‌های خانوادگی و اجتماعی، اصل مسئله را پذیرفته و سعی کرده آن را مقید به قیود، نظام‌ها و ضوابطی قرار دهد یا شرایطی را برای کسانی که زنان متعدد داشته‌اند تعیین کند؛ اما همواره از دیدگاه بسیاری از معاندان و مخالفان دین اسلام، تعدد زوجات مختص اسلام بوده و تنزل جایگاه زن را به دنبال داشته است. جوامع غربی که خود را مدافعان حقوق زنان می‌دانند بیشترین سوءاستفاده ابزاری را از زن داشته‌اند. در این جوامع زن به‌عنوان یک ابزار هوسرانی برای مردان بوده، که از آن به معشوقه تعبیر می‌کنند و بدون در نظر گرفتن حدود شرعی و تعهد رسمی نسبت به آن‌ها، بیشترین ظلم را در حق زن روا داشته‌اند و آنرا آزادی زن معرفی کرده‌اند؛ در حالی که این امر نوعی بردگی جنسی زنان در جوامع غربی را متذکر می‌شود. انسان غربی با تأثیرپذیری از عوامل گوناگون که بسیاری از آن‌ها در چارچوب مباحث علمی و در شمار دلایل قابل استناد جای نمی‌گیرند، در تلاش است که درک خود را از حقوق انسان‌ها، دستاوردهای غیرقابل انکار به سایر ملل، جوامع و فرهنگ‌ها نسبت دهد. به عبارتی در دوران معاصر حقوق زن به محور برخورد اندیشه مدرن با اسلام و کانون گفتمان اسلام و غرب تبدیل شده است.

دین اسلام با تدوین قانون چندهمسری و تعدد زوجات، راه افزایش روابط نامشروع و بی‌حدومرز معشوقه‌گرایی را مسدود کرده و در صورت شرایط بحرانی که مرد نیاز به ازدواج مجدد دارد راه شرعی اختیار کردن همسر دیگر یا تعدد زوجات آن هم با شرط رعایت عدالت میان آن‌ها را پیشنهاد کرده و با این کار مرد را متعهد به زنان خود می‌داند (همان: ۴۲۱)؛ اگر چه این قانون در اسلام و جوامع اسلامی وجود دارد؛ اما نباید به‌عنوان ابزاری برای شعله‌ور کردن آتش هوسرانی مردان قرار گیرد؛ بلکه باید در مواقع خاص و لازم به آن رجوع شود.



از آن جهت که نظرات بدران در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران حوزه فمینیسم به اصطلاح اسلامی بوده، نوشتار حاضر بر آن است تا دیدگاه وی را در رابطه با «تعدد زوجات در اسلام» مورد بررسی و نقد قرار داده و از میان مسائل گوناگون مورد اشاره در مدخل «فمینیسم و قرآن»، به این پرسش پاسخ داده شود که: «دیدگاه بدران در رابطه با تعدد زوجات در اسلام چیست و چه نقدهایی بر آن، با توجه به کارکردهای تعدد زوجات، وارد است؟»

۲. پیشینه پژوهش

برخی از پژوهش‌هایی که در حیطه تعدد زوجات به رشته تحریر درآمده و با این پژوهش تشابه موضوعی دارند، عبارتند از: پایان‌نامه‌ای با عنوان: «بررسی ابعاد کیفری تعدد زوجات در اسلام» از کریمی (۱۳۹۸)، در این نوشتار نویسنده به مفاد کیفری تعدد زوجات را در اسلام بررسی نموده است، پایان‌نامه دیگر با عنوان «بررسی دیدگاه مستشرقان در مورد آیات تعدد زوجات» از وحدانی (۱۳۹۵)، که نویسنده این پژوهش به بررسی دیدگاه برخی مستشرقان در رابطه با تعدد زوجات پرداخته و نظرات مخالف آن‌ها با این موضوع را بررسی نموده است، پایان‌نامه دیگر تحت عنوان: «بررسی تطبیقی تعدد زوجات در حقوق اسلامی و حقوق رومی - ژرمنی و کامن لا با آثار میزان بر افزایش و کاهش فحشا» از قربانی‌زاده (۱۳۹۶)، نویسنده در آن به بررسی مقایسه‌ای تعدد زوجات در کاهش فحشا در حقوق اسلامی و حقوق رومی - ژرمنی پرداخته است. همچنین، نزدیکترین پژوهش‌های مرتبط با دیدگاه‌های بدران عبارتند از: مقاله «تحلیل انتقادی نظریه فمینیسم قرآنی مارگوت بدران در دائرة المعارف قرآن» از حسن نیا، آزادبختی و بستاکچی (۱۳۹۸) و پایان‌نامه نقد و بررسی فمینیسم اسلامی با تأکید بر دیدگاه خانم مارگوت بدران از خزاعی (۱۳۹۷). وجه تمایز پژوهش حاضر این است که بر موضوع تعدد زوجات و کارکردهای آن در اسلام تأکید دارد، امری که در آثار پیش‌گفته مغفول مانده و طبق بررسی‌های انجام شده، هیچ پژوهش دیگری به دیدگاه بدران در رابطه با «تعدد زوجات» در اسلام و جوامع اسلامی، با تأکید بر کارکردهای آن، نپرداخته است.

۳. مارگوت بدران

مارگوت بدران از جمله کسانی است که مبحث فمینیسم اسلامی را مورد نظر قرار داده و نوشته‌هایی مستقل در این‌باره منتشر ساخته که عمده مباحثش در دو مدخل «جنسیت» (Badran, Islamic, 2002: What's In Name?) و «فمینیسم و قرآن» در دائرة المعارف قرآن لیدن آمده است. وی مورخ و متخصص رشته مطالعات زنان بوده، که در حال حاضر پژوهشگر ارشد مرکز بین‌المللی



دانشوران وودرو ویلسون (Woodrow Wilson International Center for Scholars) در واشنگتن و عضو ارشد دانشسرای اسلامی مسیحی در دانشگاه جورج تاون (Georgetown University) است (بدران، دایرة المعارف قرآن، ۱۳۹۵: ۴/۳۱۵).

۴. دیدگاه بدران در رابطه با تعدد زوجات در اسلام

از مسائلی که ذهن فمینیست‌های اسلامی از جمله مارگوت بدران را متوجه خود ساخته، مسئله حقوق زن در خانواده است. وی در کنار سایر دیدگاه‌هایی که به جایگاه و حقوق زنان در جوامع اسلامی وارد کرده (نک: حسن‌نیا و همکاران، «تحلیل انتقادی نظریه فمینیسم قرآنی مارگوت بدران در دایرة المعارف قرآن»، ۱۳۹۸)، به مسئله تعدد زوجات در جامعه اسلامی پرداخته؛ وی معتقد است اسلام با رواج چندهمسری در اجتماع جایگاه زن را به چالش کشانده و این امر سبب شده بیشترین توجه و حاکمیت را برای مرد قرار دهد؛ که در نهایت موجب نابرابری میان حقوق زن و مرد شده است؛ این در حالی است که در کشورهای غربی سیاست تک‌همسری حکم فرماست، به نوعی که اجرای این طرح برابری حقوق زن و مرد را در جوامع غربی متذکر می‌شود (بدران، دایرة المعارف قرآن، ۱۳۹۵: ۴/۴۱۶). به عقیده وی در جوامع غربی و غیراسلامی با اجرای قانون تک‌همسری، ارزش واقعی زن به‌عنوان مخلوقی برتر تبیین می‌شود، حال اینکه جوامع اسلامی با اجرای تعدد زوجات این حق واقعی زن را از او سلب کرده و جایگاه زن را به شدت پست و فرومایه معرفی نموده است.

الف. مفهوم چندهمسری در اسلام و غیر آن

در نقد دیدگاه بدران مبنی بر تعدد زوجات، ابتدا لازم است مفاهیم «تک‌همسری» و سپس «چندهمسری» را تعریف کنیم:

متفکران اسلامی معتقدند: «تک‌همسری طبیعی‌ترین فرم زناشویی است. در تک‌همسری زن و شوهر احساسات، عواطف و منافع جنسی دیگری را «از آن» خود کرده و مخصوص شخص خود می‌دانند. نقطه مقابل تک‌همسری، چندهمسری یا زوجیت اشتراکی است که خود انواعی دارد: کمونیسم جنسی، چندشوهری، تعدد زوجات» (نک: مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۱۳۷۰: ۳۶۳).

از طرفی تعدد زوجات نوعی چندهمسری است که نه تنها در اسلام، بلکه در میان ملل و پیروان ادیان مختلف نیز رواج داشته است. همچنین در سیره برخی از انبیاء پیشین از جمله حضرت ابراهیم، حضرت داوود، حضرت سلیمان و حضرت موسی علیهم‌السلام هم گزارش شده است (باجوری، مرآة فی الفکر الاسلامی: الامانه العامه للثقافة الشباب، ۱۹۸۶ م: ۱۴۳). گوستاو لوبون (Gustave Le Bon) می‌گوید:



«نویسندگان اروپا تعدد زوجات را شالوده مذهب اسلام دانسته و تلاش می‌کردند تا تنزل و انحطاط ملل شرقی را نشر دهند، در حالی که رسم تعدد زوجات قبل از اسلام نیز در میان اقوام شرقی از یهود، ایرانی، عرب و... شایع بوده است» (لوبون، تاریخ تمدن اسلام و غرب، ۱۳۶۴: ۵۰۷).

طبق قانون حمورابی ازدواج دوم مرد در صورت بیمار بودن زن رواج داشت. در هند قدیم تعدد زوجات برای مرد مجاز و کاری شایسته بود. همچنین در قوم یهود نیز امری جایز شمرده شده و مبتکر رسم تعدد زوجات اسلام نبوده است؛ در میان اعراب قبل از اسلام تعدد زوجات حد و حصری نداشت و برخی مردها در برخی قبایل عرب دارای ۱۰ زن یا بیشتر بودند، ظهور اسلام مسئله را طور دیگر تبیین کرد. اسلام چند زنی را بکلی لغو نکرده؛ بلکه آن را مقید به شرایطی دانسته و حدودی و قیودی را برای آن معین کرد؛ اولاً نامحدودی امر را از میان برده و برای آن حداکثر قائل شد که چهار زن می‌باشد؛ ثانیاً برای آن قیودی را ذکر کرده و به هر مردی اجازه نداد که همسران متعدد اختیار کند» (نک: مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۱۳۷۰: ۳۶۹).

در نتیجه، مفهوم چندهمسری در میان ملل، قبایل و ادیان مختلف پیش از اسلام به طرق مختلفی وجود داشته و اسلام نه تنها مبدع آن نبوده، بلکه آن را مشروط به تعداد محدود و شرایط ملزوم بر اجرای آن دانسته است.

ب. نقد دیدگاه بدران درباره تعدد زوجات در اسلام با تکیه بر آیات قرآن کریم

مارگوت بدران با تبیین غلط بودن قانون تعدد زوجات در اسلام، این امر را به نادیده گرفتن ارزش و جایگاه زن در اسلام معرفی کرده و اجرای آن در جوامع اسلامی را نوعی بیهوده پنداشتن نقش و جایگاه زنان در اسلام قلمداد کرده است (بدران، دایرة المعارف قرآن، ۱۳۹۵: ۴/۳۱۷) به عقیده وی این امر استنباطی خودساخته در آیین اسلام است که در قرآن کریم بدان اشاره نشده است.

تعدد زوجات از جمله مباحثی است که در قرآن کریم نیز بدان اشاره شده است، که مهم‌ترین آنها آیه سوم سوره نساء است:

﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَّةَ وَرُبَعًا فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا﴾ (نساء/۳).

اگر چه در رابطه با این آیه آرای تفسیری مختلفی نقل شده است؛ اما به نظر مشهور، مفهوم آیه آن است: «اگر می‌ترسید که به هنگام ازدواج با دختران یتیم عدالت را درباره آنان رعایت نکنید، با دیگر زنان، دو یا سه یا چهار ازدواج کنید و اگر می‌ترسید که عدالت را درباره همسران متعدد مراعات ننمایید، تنها به یک همسر اکتفا کنید» (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۱/۴۶۷).



اگرچه مفهوم چندهمسری به صورت مطلق برای همه مردها و در تمام شرایط بدون در نظر گرفتن عدالت میان زنان تأییدی بر عقیده بدران مبنی بر نادیده گرفتن زن و حقوق وی است؛ اما با توجه به شرایطی که در قرآن و شریعت اسلام مشخص شده، اجرای این قانون بدون حد و حصر مطرح نشده است. قرآن کریم در رابطه با جواز «تعدد زوجات» قیودی را در نظر گرفته است: از جمله این قیود کلیدی و مهم در جواز تعدد زوجات رعایت اصل «عدالت» است. به عبارتی در این آیه اشاره کرده، که اگر می-ترسید به هنگام ازدواج با دختران یتیم رعایت حق و عدالت را درباره حقوق زوجیت و اموال آنان ننمائید از ازدواج با آن‌ها چشم‌پوشانید و به سراغ زنان دیگر بروید و در ادامه آیه بیان می‌کند «... فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً...» (نساء/۳)؛ «اگر ترسیدید نتوانید عدالت را بین آن‌ها برقرار کنید، به همان یک همسر اکتفا کنید». حکم مسئله معلق به خوف شده نه علم؛ بنابراین تنها ترس از بی‌عدالتی باید مانع تعدد زوجین باشد و نیازی نیست که انسان یقین کند که عدالت را رعایت نمی‌کند تا تعدد زوجات در مورد او جایز نباشد. اگر مردی حتی گمان و خوف این را داشته باشد که نمی‌تواند عدالت را در مورد همسران رعایت کند حق ازدواج مجدد ندارد (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۹: ۱۰۳/۳).

در این آیه رعایت کامل عدالت را فوق استطاعت مرد دانسته، اما از او می‌خواهد که در اجرای این حکم کوشش کند، که این تلاش لازمه اجرای عدالت میان همسران است. به عبارتی تبیین تعدد زوجات و شروط تحقق آن توسط قرآن کریم نوعی الهی بودن این مسئله و ضرورت اجرای آن در شرایط خاص و با اتکا به مسئله عدالت محوری میان همسران را متذکر می‌شود و با این کار شبهه بدران مبنی بر عدم وجود این حکم در قرآن و خودساخته بودن این نگرش توسط دین اسلام را منتفی می‌کند. قرآن کریم همچنین در سوره نساء می‌فرماید: «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تَصَلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً» (نساء/۱۲۹)؛ «و شما هر چند حریص بر عدالت باشید، هرگز نمی‌توانید از نظر علاقه و میل قلبی میان زن‌هایی که در عقد خود دارید عدالت ورزید، پس تمایل خود را به یک طرف ننمایید تا دیگری را به صورت زنی سرگردان و بلا تکلیف رها کنید»، بحث عدالت عاطفی و احساسی را تبیین می‌کند. آیه اول در رابطه با عدالت مالی و نفقه و آیه دوم در رابطه با عدالت عاطفی و احساسی سخن می‌گوید، که رعایت آن به طبع سخت‌تر و امکان‌ناپذیرتر از اصل اول (عدالت) است.

منظور از رعایت و اجرای عدالت؛ عدالت در رفتار، گفتار و برخورد با همسران است. همچنین از دیگر شرایط در جواز تعدد زوجات توان مالی و تأمین نفقه توسط مرد است. مردی که نتواند نیاز مالی همسران را برآورده کند مسئله تعدد زوجات برای وی منتفی است. همچنین دشواری در اجرای عدالت



نیز خود یکی از دلایل احتیاط در تعدد زوجات و اختصاص آن به شرایط ضروری می باشد؛ اما گاهی رعایت عدالت می تواند به بعد از تعدد زوجات موکول شود؛ یعنی مرد تعدد زوجات را انجام دهد و بعد به اجرای عدالت میان زنان خود پردازد و پس از آن به رعایت عدالت میان آنان پردازد همان طور که در آیه سوم سوره نساء بیان می کند، تعدد زوجات معلق به ترس شده و نه علم؛ زیرا علم برلی کسی جاصل نمی شود و قهراً خداوند علم را آورده بود و موضوع معلق به علم شده بود، مصلحت حکم از دست می رفت (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱۶۸/۴). به عبارتی تعدد زوجات در موارد استثنایی و ضروری مورد قبول است.

فقها در رابطه با مشروعیت تعدد زوجات اتفاق نظر دارند؛ اما در اجرای حکم تکلیفی آن اختلاف وجود دارد. فارغ از جهات عارضی، در رابطه با تعدد زوجات سه قول اباحه (طوسی، الخلاف، ۱۴۰۷: ۱۱۲/۵)، استحباب (برای نمونه نک: حرعاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل المسائل الشریعه، ۱۴۰۹: ۲۴۲/۲۰) و کراهت وجود دارد. تردیدی نیست که حکم ازدواج مجدد بر حسب نیاز و ضرورت، استحباب یا حتی وجوب خواهد داشت؛ به عبارتی روشن است که امر به ازدواج با دو، سه و چهار زن در قرآن کریم دلالت بر واجب بودن این امر ندارد، این امر سبب شده در هیچ یک از مذاهب اسلامی فتوا به وجوب تعدد زوجات داده نشود (اردبیلی، زبدة البیان فی احکام القرآن، بی تا: ۵۱۰) از طرفی مرد تنها پیشنهاد دهنده است و اگر زن قبولی خود را اعلام نکند ازدواج صورت نگرفته، پس عمل به تعدد زوجات یک امر دوطرفه از سوی مرد و زن بوده و اگر زنان از این امر ممانعت کنند ازدواجی رخ نمی دهد. همچنین اسلام برای همه مردان تعدد زوجات را واجب نکرده؛ بلکه تنها برای کسانی که توانایی برقراری عدالت میان دو یا چند زندگی مشترک آن هم در مواقع ضرور دارند جایز دانسته نه واجب.

به عبارتی این که بدران بیان نمود اجرای قانون تعدد زوجات در اسلام به صورت «مطلق» و در همه شرایط لازم است عقیده ای خودساخته است، حال آنکه با شرایطی که قرآن کریم و دین مبین اسلام بیان نموده، اجرای این امر بسیار سخت بوده و مختص به شرایط اضطرار است، که مرد به جای برقراری روابط نامشروع، روی به این قانون تعیین شده آورد. مسئله تعدد زوجات از جمله مسائلی است که بدون شک خداوند متعال در پی شرایط و دلایلی آن را مطرح نموده و دین اسلام متناسب با شرایط فردی، اجتماعی و خانوادگی جواز اجرای این قانون را صادر کرده است.



ج. نقد دیدگاه بدران با تأکید بر علل پیدایش تعدد زوجات در اسلام

به عقیده بدران قانون تعدد زوجات نوعی تنزل در حقوق زنان بوده و اسلام با اجرای این قوانین زن را در جایگاه فرودستی نسبت به مرد قرار داده است؛ اما از آنجا که دین اسلام نشأت گرفته از قرآن است حکم به تعدد زوجات را یک دلیل شرعی دانسته و آن را مشروط به دلایلی می‌داند (بدران، دایرة المعارف قرآن، ۱۳۹۵: ۴/۳۱۷).

علل و عوامل مختلفی سبب پیدایش حکم «تعدد زوجات» در قرآن و اسلام بوده است. برخلاف عقاید مخالفان این حکم، هوسرانی و تسلط بی‌چون و چرای مرد به تنهایی برای پیدایش رسم تعدد زوجات کافی نیست؛ بلکه علل دیگری در این امر نقش اساسی داشته‌اند. اگر مسئله هوسرانی مرد به صورت مطلق مطرح بود راه آسان‌تر، تنوع‌طلبی و معشوقه‌گرایی است، نه مسئولیت ازدواج و تعهدات چندهمسری؛ بنابراین تعدد زوجات علل تاریخی و اجتماعی دیگری دارد که اساسی‌ترین علت، وجود قانون تعدد زوجات در آیین اسلامی به‌شمار می‌رود.

یکم. افزایش تعداد زنان و دختران آماده ازدواج

از مهم‌ترین عوامل تعدد زوجات، فزونی عدد زنان بر مردان است. «افزایش زنان آماده ازدواج نسبت به مردان به دلیل افزایش تولد زن نسبت به مرد نیست؛ بلکه علت آن افزایش مرگ و میر مردها نسبت به زنان است. تلفات جانی و مرگ و میر در مردان بیشتر از زنان است و همین امر سبب شده، کثرت زنان در جامعه بیشتر از مردان باشد و در صورت تک‌همسری گروه زیادی از زنان از داشتن شوهر قانونی، خانه، زندگی و فرزند مشروع محروم خواهند شد» (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۱۳۷۰: ۳۹۷).

به عبارت دیگر، تعدد زنانی که همسران خود را به علل مختلف از دست می‌دهند و به‌عنوان همسر اول نیز نمی‌توانستند مورد توجه واقع شوند و در صورت نبود قانون چندهمسری و عدم وجود حامی دلسوز برای آنها، علاوه بر فشارهای روان‌شناختی مختلفی که باید تحمل می‌کردند؛ گرفتاری در دام فقر و چه بسا فحشا را نیز به دنبال دارند (Trivedi, et al, "Psychological Aspects of Widowhood and Divorce", 2009: p. 37).

بنابراین در صورتی که تعداد زنان نیازمند بر مردان نیازمند فزونی یابد، با منع تعدد زوجات و رواج سیستم تک‌همسری مطلق مد نظر مارگوت بدران و بسیاری از منتقدان این قانون در اسلام به‌صورت یک قانون نه تنها عادلانه نیست؛ بلکه مصداق ظلم است؛ زیرا افزون بر پایمال کردن حقوق زنان، در برخی شرایط آسیب‌های اجتماعی و بحرانی بسیار خطرناک‌تر از هر بحرانی را به جامعه تحمیل می‌کند.



دوم. نازایی زنان و اهمیت ادامه نسل

عامل دیگر تعدد زوجات عدم فرزندآوری توسط همسر اول و به عبارتی نازایی زن اول است. همین امر موجب روی آوردن مرد به ازدواج ثانویه است. اینکه مرد زن اول خود را طلاق نداده و با ننگه داشتن زن اول زن دوم را اختیار کند، تعهد اخلاقی و انسانی مرد مسلمان را می‌رساند، نه نادیده گرفتن اجحاف در حق زن؛ بلکه تکریم و ارزش زن در اسلام و خانواده اسلامی را متذکر شده است. در واقع، مرد مسلمان با زن اول مانند کالای صرف برخوردار نشده، که به دلیل عیوب ذاتی نه اکتسابی (نازایی زن) وی را طلاق داده و همسر دیگری اختیار نماید و با این کار خود را از تحمیل وظایف اضافی اداره زندگی زن اول رها کند؛ بلکه بدون طلاق دادن، همسر اول خود را ملزم به تأمین نیازهای او می‌داند و با ازدواج مجدد، زمینه برآورده شدن این خواسته منطقی و حقیقی را فراهم می‌کند. این در حالی است که در بسیاری از آیین ملل دیگر با این مسئله به گونه دیگری برخورد شده است. اینکه بگوییم تک‌همسری بهتر است یا چندهمسری، بی‌تردید تک‌همسری بهتر است، اما در مواقع ضرور دو راه حل بر سر راه مرد قرار می‌گیرد: ۱- گرایش مردان به معشوقه‌گرایی؛ ۲. رسمیت یافتن تعدد زوجات، که البته راه حل دوم بهتر است (نک: نجفی، جواهر الکلام، بی تا: ۶/۳).

نیاز جنسی مردان در مقایسه با زنان شدیدتر است؛ در شرایط ناتوانی و عدم برآورده کردن این خواسته غریزی از جانب زن، مرد خود را ناچار به رفع این خواسته می‌داند که در بسیاری از فرهنگ‌های غربی با گرایش به معشوقه‌گرایی و روابط نامشروع این غریزه برآورده می‌شود (Temple, Temple et al 1983, p: 143)؛ اما در اسلام با وجود قانون تعدد زوجات روشی منطقی و متعهد را برای اثنای این خواسته منطقی و طبیعی مرد ارائه داده و با این کار اسباب پایمالی بسیاری از اصول اخلاقی فراهم نخواهد شده، جامعه از نگاه مصرفی به زنان در امان خواهد ماند.

سوم. ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی در رابطه با زنان

قانون تعدد زوجات در مشرق اسلامی شعله حرص را تسکین می‌دهد و مانع از میل به فحشا و هتک نوامیس حرام می‌شود و نه تنها چندهمسری را رواج نداده، بلکه مهم‌ترین عامل نجات تک‌همسری بوده است؛ بدین گونه که اگر این قانون نبود، مانند کشورهای غربی مسئله معشوقه‌گرایی و رفیق‌بازی گسترش چشم‌گیری پیدا کرده و همین امر موجب فروپاشی زندگی خانوادگی و به خطر افتادن تک‌همسری شده است. به عبارتی اینکه بگوییم تک‌همسری بهتر است یا چندهمسری، بی‌تردید تک‌همسری بهتر است (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۱۳۷۰: ۳۲۸)؛ اما در مواقع



ضرورت انجام این امر به صلاح است، زیرا در این شرایط هم مفسد اجتماعی کاهش پیدا کرده و هم زنان بدون همسر از ازدواج کردن محروم نمی شوند و از آماج مشکلات شخصی و اجتماعی رهایی می یابند. تعدد زوجات به صورت یک موضوع منطقی، در بسیاری از جوامع انسانی وجود داشته و دارد، اما جواز یک حکم به معنای الزام به اجرای آن نیست (منتسکیو، روح القوانین، ۱۳۶۹: ۴۳۴). به عبارتی هیچ زنی ملزم نیست با استناد به این حکم چنین شرایط و زندگی را بپذیرد؛ بلکه این قانون برای شرایط خاص است و در صورتی که در جامعه افزایش نسبی زنان و مردان نیازمند به ازدواج نباشد، مسئله تعدد زوجات منتفی است.

به نظر می رسد دلایل مطرح شده خود عامل منطقی در اجرای قانون تعدد زوجات می باشد؛ پس اینکه برخی منتقدان مانند بدران مدعی اند که تنها راه کرامت زن رواج تک همسری است و لاغیر، ادعایی پذیرفته شده نیست؛ زیرا شواهد علمی و تاریخی خلاف آن را اثبات کرده اند.

د. نقد دیدگاه بدران با تأکید بر کارکردهای تعدد زوجات

بدران با تحمیل عقیده خود مبنی بر تنزل جایگاه زن با اجرای تعدد زوجات در اسلام و جوامع اسلامی، هیچ گونه بررسی مبنی بر علت وجود این قانون در قرآن و اسلام بیان نکرده است. حال آنکه وجود این قانون یکی از ضروریاتی است که بسیاری از آسیب های اجتماعی را کاهش داده است. قرآن کریم بهترین کتاب آسمانی است که جامع ترین قوانین را دربردارد و هیچ حکم و قانونی را بیهوده وضع نکرده است. وجود مسئله تعدد زوجات در اسلام نیز از جمله قوانینی است که در قرآن بدان اشاره شده و دین اسلام نیز به تبعیت از قرآن این امر را به عنوان یکی از احکام اسلامی وضع نموده است. در کنار نقدهای مختلفی که از سوی مخالفان تعدد زوجات بر این امر وارد شده است؛ مسئله تعدد زوجات کارکردهای مهمی نیز به دنبال داشته است:

یکم. افزایش ازدواج مشروع و روابط سالم در جامعه

امروزه با پیشرفت زندگی مدرن میل به زندگی انفرادی و دوری از مسئولیت زندگی مشترک میان بسیاری از کشورها باب شده است. این امر آسیب های زیادی را متوجه نظام خانواده و اجتماع کرده است. یکی از مهم ترین کارکردهای تعدد زوجات افزایش روابط مشروع میان زن و مرد و کاهش ناهنجاری های اجتماعی است. در شرایطی که تعداد زنان و دختران آماده ازدواج بیشتر از تعداد مردان جامعه باشد، آن ها در مقابل چند گزینه قرار می گیرند: اول محرومیت زنان از زندگی، همسر و فرزند مشروع و قانونی؛ دوم استفاده ابزاری از زنان به عنوان معشوقه، که این امر کرامت و جایگاه انسانی زنان را مورد تعارض قرار داده



و موجب افزایش ناهنجاری و آسیب‌های فردی و اجتماعی شده؛ سوم اینکه به‌عنوان همسر دوم به روش مشروع با مردی ازدواج کنند، که دارای شرایط اضطراری و استثنایی است و نیازمند همسر دوم بوده و توانایی اداره زندگی را به لحاظ عاطفی، اخلاقی و مالی دارد (عچرش)، «بررسی فقهی حقوقی تعدد زوجات»، (۱۳۸۹: ۱۲۴)؛ قطعاً راه‌حل سوم خیلی بهتر از دو راه‌حل قبل است؛ زیرا با این کار مشکل دو طرف حل شده و هر دو از زندگی شرعی و قانونی بهره‌مند شده‌اند.

به عبارتی قوانین دین اسلام بر مبنای عقلانیت و نیازهای واقعی بشر بنا شده، نه احساسات کوتاه‌بینانه و سطحی. تعدد زوجات از نوآوری‌های دین اسلام نبوده؛ بلکه وجود ضرورت‌های فردی و اجتماعی سبب بازگو شدن آن شده و آن را تأیید و ضمن باز تعریف آن، به تحدید و تقیید آن می‌پردازد. این درحالی است که برای پیش‌گیری از آسیب‌های آن شرایط سختی را وضع کرده است از جمله: تقلیل تعداد همسران به چهار همسر؛ رعایت عدالت میان همسران؛ منع تعدد زوجات به منظور هوسرانی و لذت‌جویی، که رسول اکرم ﷺ در این باره می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَبْغُضُ أَوْ يَلْعَنُ كُلَّ ذَوَّاقٍ مِنَ الرِّجَالِ وَ كُلِّ ذَوَّاقَةٍ مِنَ النِّسَاءِ؛ خداوند عزوجل دشمن می‌دارد یا لعنت می‌کند مرد "ذَوَّاقٍ (هوسران)" را» (کلینی، اصول کافی، ۱۳۸۸: ۶/ ۵۴)؛ البته با وجود سختی‌های فراوان ازدواج مجدد، خردمندانه نیست که افراد به منظور کامجویی جنسی مشکلات زیادی را برای خود و نظام خانواده فراهم آورند.

دوم. افزایش کرامت و جایگاه زن

تفاوت‌های جنسیتی میان زن و مرد، ریشه در تمایز آن‌ها در آفرینش دارد. دین اسلام بر اساس واقعیت‌های محسوس و غیرقابل انکار زن و مرد را دو جنس متفاوت با تمایلات و توانایی‌های مختلف معرفی کرده، که در نهایت وجود این تفاوت‌ها موجب کرامت و ارزش‌گزاری به زن شده است. کرامت و ارزش زن مسئله‌ای است که در بسیاری از کشورهای غربی مورد توجه قرار نگرفته است. به عقیده بدران ارزش زن در اسلام با تعدد زوجات از بین رفته و حقوق او به صورت مطلق پامال شده است (بدران، دایرة المعارف قرآن، ۱۳۹۵: ۴/ ۳۱۶)؛ اما حقیقت امر چیز دیگری را هویدا می‌سازد. از جمله نقاط مثبت تعدد زوجات، افزایش سطح کرامت و جایگاه زن است. گوستاولوبون یکی از مستشرقین مشهور فرانسه درباره قانون تعدد زوجات اینگونه می‌گوید:

«اگر افراد افکار اروپایی مبنی بر منفور بودن تعدد زوجات را از خود دور کنند، تصدیق خواهند کرد که رسم تعدد زوجات برای نظام اجتماعی شرق یک رسم عمده‌ای است، که به وسیله آن اقوامی که این رسم میان آنان جاری است روح اخلاقی ایشان در ترقی و روابط خانوادگی آن‌ها قوی‌تر و پایدار مانده و



بالاخره در نتیجه همین رسم است، که در مشرق زمین، اعزاز و اکرام زن بیشتر از اروپا است. اسلام در امر زناشویی بیش از حد حقوق زنان را رعایت کرده و همه گونه تکلیفی را بر مرد تحمیل نموده است» (لوبون، تاریخ تمدن اسلام و غرب، ۱۳۶۴: ۵۰۷).

به عقیده برخی دانشمندان از دیدگاه اسلام تعدد زوجات تأمین کننده وضعیت مطلوب و آرمانی در نظام خانوادگی و اجتماعی نیست؛ اما یگانه راهکار قانونی برای حل برخی مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی و خانوادگی است (قطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۱۲: ۱/۵۸۳).

به عبارتی بین اینکه کرامت زن بی‌سرپرست نادیده گرفته شده، وی را موجودی بی ارزش قلمداد کنیم که برای تأمین مخارج زندگی خود دست به هر کاری بزند، و اینکه با اجرای قانون تعدد زوجات او را همسر شرعی یک زندگی زناشویی کرده که دارای ارزش والای نقش همسری در خانواده شود و در پی آن نقش مادری را نیز ایفا کند قطعاً راه حل دوم بهتر و مفید فایده خواهد بود.

سوم. تکفل مسئولیت زن توسط مرد و کاهش آسیب‌های فردی و اجتماعی

از دیگر محسنات تعدد زوجات برای زن تعهد رسمی و شرعی مرد در مقابل وی است. در واقع تعدد زوجات در رابطه با زنان نه تنها اسباب ذلت زن نشده؛ بلکه موجب مسئولیت‌پذیری رسمی مرد در مقابل آن زن است؛ اینکه یک زن به‌عنوان همسر و مادر در خانه‌ای چند همسری پناه گرفته به مراتب بهتر از آن است که هزاران زن بی‌سرپرست شبانگاه در خیابان‌ها پرسه بزنند و روح و جسم آن‌ها بازیچه هوسرانی مردان قرار گیرد، بدون آن که تعهد اخلاقی و رسمی در مقابل آن زن متوجه مرد شود. اینکه زن تنها با یک مرد اشتراک زندگی پیدا کند، فرزند قانونی خود را در آغوش گرفته و همه جا مورد تکریم قرار گیرد، تا اینکه هر روز توسط این و آن اغوا شده یا با فرزندی نا مشروع کنار خیابان رها شود؛ نه تحت حمایت قانونی باشد و نه پناهگاه و مراقبتی داشته باشد؛ البته که راه حل اول معقول و بهتر است (Degler, At Odds: Women and The Family in American from the Revolution to the Present, 1980, p.63)

اگرچه از نظر اسلام در شرایط طبیعی، نظام تک همسری مطلوب است؛ اما قانون تعدد زوجات برای مواردی خاص و گروه اندکی تشریح شده، که تبعیت از آن برای این موارد مطلوب است (صدر، ماوراء الفقه، ۱۴۲۰: ۱۶۰/۶)؛ به عبارتی قانون تعدد زوجات در اسلام که برگرفته از قرآن کریم است، برای مواردی که برخی از آنها ذکر شد و مرد نیاز به ازدواج مجدد دارد، نه تنها پایمال کردن و نادیده گرفتن زن و حقوق زنان نبوده، بلکه نوعی اکرام به مقام و جایگاه زن است. اسلام با جواز تعدد زوجین برای مردان هرس و طمع درونی آن‌ها را خاموش کرده و با این کار تحکیم زندگی خانوادگی و تشکیل



خانواده شرعی و قانونی را امکان پذیر کرده است. اگر زنان بی سرپرست از تشکیل زندگی مجدد مطمئن باشند به دنبال درآمد نامشروع برای تأمین مخارج خود و فرزندان، در دام‌های خیابانی و خطرات اجتماعی که زن را به شدت تهدید می‌کند گرفتار نمی‌آیند و در پی این امر بسیاری از آسیب‌های خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی رو به زوال می‌نهد (مصباح‌یزدی، تهاجم فرهنگی، ۱۳۸۹: ۶۲). همچنین، خانواده نخستین و مهم‌ترین نهاد تربیتی به منظور استحکام نظام حکومتی یک ملت است که اسباب صعود به قله‌های انسانیت، رشد و تعالی را فراهم آورده و محرومیت زنان از این نهاد مستحکم آسیب‌های جبران ناپذیری را برای فرد و جامعه به دنبال دارد.

هـ. نقد دیدگاه بدران با تأکید بر آثار سوء استفاده از تعدد زوجات

در کنار کارکردهایی که در رابطه با تعدد زوجات تبیین شد، باید بیان نمود که تعدد زوجین در شرایط ذکر شده و خاص خانوادگی و اجتماعی مطرح است؛ نه امری مطلق برای همه شرایط و این امر دلیل بر سوء استفاده مردان از این حکم اسلامی نیست. اگر چه سرپیچی از شرایط این قانون خسارت‌هایی را به دنبال دارد؛ اما میزان تأثیر آن باز هم به اندازه بی‌ارزش پنداشتن زن و استفاده ابزاری و جنسی از زن در کشورهای غربی نمی‌باشد و بیان برخی خسارت‌های آن، به معنای تأیید نظر بدران و تفسیر به رأی شخصی وی بر قانون تعدد زوجات در اسلام نیست. اینکه برخی به منظور فرار از مسئولیت‌ها خود شرایط تعیین شده از طرف دین اسلام را نادیده گرفته و به تأمین میل افسار گسیخته خود بپردازند، به معنای غلط بودن اصل قانون تعدد زوجات در قرآن و اسلام نیست. اگر به هر دلیلی مردان بدون ادله فوق الذکر از این حکم به منظور تأمین خواسته‌های شهوانی و نفسانی خود استفاده نموده، زن را ابزار جنسی خود قرار داده و روح و جسم زن را بازیچه افکار و احساسات خود قرار دهند منجر به وقوع پیامدهای ناخوشایندی شده که از نظر اسلام و قرآن قابل قبول نیست. در ذیل به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

یکم. کاهش مسئولیت مرد در زندگی مشترک

سعادت و خوشبختی زناشویی و زندگی مشترک در گرو گذشت، فداکاری، صفا و صمیمیت، وحدت و یگانگی است، که تمامی این امور را چندهمسری به خطر می‌اندازد. علاوه بر شرایط سختی که فرزندان خانواده دو مادر را تهدید می‌کند، مسئولیت‌های تعدد زوجات برای مرد نیز بسیار سنگین است، که روی آوردن به آن موجب کاهش آسایش و آرامش مرد در زندگی است. مردی که به تعدد زوجات خشنود بوده، عملاً از زیر بار مسئولیت‌های شرعی و اخلاقی آن شانه خالی کرده است (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۱۳۷۰: ۴۳۱)



اسلام افق گسترده‌ای در برابر زن گشود که بر انسانیت او اصرار می‌ورزد، به طوری که هیچ جمعیت و جماعت و شریعتی به اندازه اسلام بر بُعد انسانی زن تأکید نکرده است. مرد مسلمان وظیفه دارد تمام نیازهای زن را بر عهده داشته و تمام نیازهای مالی، عاطفی، تأمین امنیت و مراقبت از زن را عهده‌دار باشد (فضل الله، زن از نگاهی دیگر، ۱۳۸۳: ۱۵۵-۱۵۷).

به نظر می‌رسد اگر مرد در عمل به قانون تعدد زوجات، در رابطه با مسائل مالی، عاطفی، زناشویی و احساسات قلبی با عدالت برخورد می‌کرد، شاید به این اندازه مخالفت زنان را در رابطه با این امر در پی نداشت؛ انجام همه این امور برای مرد آن هم عادلانه کاری بسیار دشوار یا به عبارتی غیر ممکن است؛ زیرا در تعدد زوجات، تقسیم عادلانه امور مادی و غریز جنسی ممکن است حاصل شود؛ اما تقسیم عادلانه امور روحی و معنوی، عاطفه و احساسات عملاً غیر ممکن است. در این امر خواه نا خواه توجه مرد به یکی از همسران بیشتر از دیگری است. این امر اصل رعایت عدالت میان زنان را به هم می‌ریزد و موجب دشمنی و کینه میان زنان و حتی فرزندان آنها می‌شود؛ بنابراین بهتر این است که مرد به زندگی با یک زن وفادار بوده و جز در شرایط اضطرار و خاص از اختیار کردن زن دیگر خودداری کند.

اگرچه مسئله تعدد زوجات در موارد خاص و بخصوص در شرایطی که مردان به دلایل معقول و قابل قبول، ازدواج مجدد امر پسندیده‌ای تلقی شده و بهتر است این انتخاب از میان زنان مطلقه و بی-سرپرست که به هر دلیل از داشتن همسر قانونی محروم‌اند صورت پذیرد و بدین طریق هم مشکلات خود و هم مشکلات زنان دارای شرایط خاص در جامعه حل و فصل شود. اینکه یک مرد در صورت نیاز به زن دوم، یک دختر جوان که فرصت ازدواج با پسر مجرد برای او فراهم است را انتخاب کند چیزی جز خود خواهی و هوسرانی مرد را نمی‌رساند.

دوم. رواج هوسرانی مردان و ایجاد آسیب روحی بر زنان

حکم به تعدد زوجات مسئله‌ای بوده که متأسفانه گاهی از این حکم الهی در جهت سوء، استفاده می‌شود. گاهی مردان قانون تعدد زوجات را ابزاری برای هوسرانی خویش قرار داده‌اند. اینکه مرد بدون هیچ عذر و دلیل قابل پذیرش، صرفاً از روی هوس، غفلت یا جهالت بخواهد یک زن دیگر اختیار کند و با این کار عزت و روحیه همسر خود را تخریب نماید قابل پذیرش نیست؛ زیرا با این کار به اغنای امیال جنسی خود پرداخته؛ اما روح و روان دو یا چند زن را بازیچه خود قرار داده است. اگر مرد به زن به‌عنوان ابزار عیش و عشرت نگاه کند و بخواهد برای تأمین امیال نفسانی خود دست به چنین کاری بزند این امر در نوع خود موجب آسیب روحی و روانی به زنان، خدشه‌دار کردن قداست ذاتی زن و به طبع رواج



حر مسرا و هوسرانی در اجتماع شده، خطرات جبران ناپذیری را برنظام خانواده متحمل می‌کند (صبوراردوبادی، قداست ذاتی در زن، ۱۳۸۶: ۴۱۶). پس قانون تعدد زوجات جز در شرایط گفته شده و اختصاصی، در سایر شرایط صرفاً برای ارضای خوی حیوانی در مردان هوس باز قابل تجویز نیست. به نظر می‌رسد بیشترین چیزی که زنان را نسبت به مسئله تعدد زوجات حساس کرده حالت هوسرانی و خودسرانه مرد در انجام این امر است. اگر مردانی که زندگی آن‌ها به دلیل معقولی که برخی از آن‌ها ذکر شد نیاز به همسر دوم داشته، ژست هوسرانی و تحکم را به خود نگیرد و زن بداند مشکل از اوست و شوهرش نیازمند زن دوم است، خود برای رفع مسئله و مشکل، چاره‌جویی کرده و زن دوم را به خانه شوهر می‌آورد. پس علت اصلی مخالفت با مسئله تعدد زوجات برخورد حریصانه و ناخردانه مرد با این مسئله است. اینها نمونه‌هایی از معایب تعدد زوجین بوده که بدان‌ها پرداخته شد.

و. نقد دیدگاه بدران با تأکید بر آثار ممنوعیت تعدد زوجات در فرهنگ غربی

ممنوعیت تعدد زوجات در کشورهای غربی مسئله‌ای است که در قوانین آن کشورها ثبت شده است. در فرهنگ غرب تک‌همسری چیزی است که ما فقط آن را در کتاب قانون مشاهده می‌کنیم. نمی‌شود انکار کرد که در معاشرت واقعی اثری از این رسم نیست؛ گوستالوبون می‌گوید: «من متحیرم تعدد زوجات مشروع و محدود شرق، از تعدد زوجات سالوسانه غرب چه چیزی کم دارد؛ بلکه من می‌گویم اولی از هر جهت بهتر و شایسته‌تر است» (لوبون، تاریخ تمدن اسلام و غرب، ۱۳۶۴: ۵۰۶) به عبارتی غرب به خود می‌بالد که قانون خانواده در آن کشورها بر پایه یک زن قرار دارد؛ اما رابطه‌های نامشروع را نادیده می‌بیند. دنیای غرب مسئله تعدد زوجات را ممنوع کرده، اما موجب رواج معشوقه-گرایی و همجنس‌بازی شده و با این کار هم در حق زنان و هم در حق مردان ظلم بزرگی روا داشته است (مولر، زن از دیدگاه فلسفه سیاسی غرب، ۱۳۸۳: ۸۶).

این در حالی است که دین مبین اسلام در چهارده قرن قبل زمانی که انسانیت انسان به طرز عجیبی پایمال می‌شد، در میان اعراب جاهلی، ندای برابری حقوق انسان‌ها را سر داد و زن را از کالای صرف بودن بیرون کشیده و بیشترین ارزش و کرامت را برای زنان در نظر گرفت (نوری‌همدانی، جایگاه بانوان در اسلام، ۱۳۸۴: ۶۱)؛ به عبارتی این که اسلام قوانینی مانند تعدد زوجات را به منظور مصالح فردی و اجتماعی تبیین کرده به معنای ارتقاء جایگاه مرد و تنزل جایگاه زن نبوده، بلکه اسلام روابط مرد با زن را محدود به چهار زن کرده، در مقابل نامحدود بودن معشوقه‌گرایی در فرهنگ غرب امری ستودنی است، که بیشترین کرامت را برای زن در نظر گرفته است.



یکم. تنزل جایگاه ازدواج در فرهنگ غرب

حامیان فمینیسم و جنبش‌های فمینیستی با پست شمردن ازدواج سنتی، ازدواج و زندگی روزمرگی و فرزندآوری زن را به سُخره گرفته و بیشتر زن و مرد را به عدم پذیرش مسئولیت ازدواج و تشکیل خانواده ترغیب کرده است و با این عمل موجبات معشوقه‌گرایی و روابط نامشروع را در اجتماع خود فراهم ساخته است (گراگلیا، فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ۱۳۸۵: ۱۱۵).

با این کار نه تنها به نقش و ارزش زنان هیچ توجهی نشد؛ بلکه زنان عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی برای دست‌یابی به امیال جنسی و بردگانی برای هوسرانی‌اند. این امر تضعیف جایگاه زن و ترویج هوسرانی مرد را بیشتر نمایان می‌کند؛ با این تفاسیر آیا باز هم می‌توان مدعی شد که جنبش‌های فمینیستی و کشورهای غربی با منع تعدد زوجات در قوانین خود جایگاه برابری را برای زن و مرد در نظر گرفته‌اند؟

دوم. تنزل جایگاه فردی و اجتماعی زنان در کشورهای غربی

قانون ازدواج اروپا که مردان را به ازدواج با یک زن و اکتفا به آن ملزم می‌کند، بر اساس نامعقولی بنا شده است. در سراسر اروپا زنان بدون شوهر بسیاری مشاهده می‌شود که حتی عده‌ای از آنان تا آخر عمر در حالت گرفتاری‌های روحی و روانی دست و پنجه نرم می‌کنند و تعداد زیادی از آن‌ها به فحشا و بی‌عفتی سوق می‌یابند (مردانی، حقوق زن، ۱۳۵۸: ۴۹).

شهید مطهری می‌نویسد:

«اینکه به واسطه ضرورت‌های اجتماعی مخصوصاً فزونی زنان نیازمند به ازدواج نسبت به مردان، تک‌همسری مطلق عملاً به خطر افتاده است. حال یکی از دو راه در پیش است یا به رسمیت شناختن تعدد زوجات یا رواج معشوقه‌بازی، به عبارتی با چند همسر شدن تعداد معدودی از مردان متاهل که از ده درصد تجاوز نخواهد کرد و سر و سامان یافتن و خانه و زندگی پیدا کردن زنان بی‌شوهر و یا باز گذاشتن راه معشوقه‌بازی. در صورت دوم هر معشوقه‌ای می‌تواند با چندین مرد ارتباط داشته باشد و اکثر قریب به اتفاق مردان متاهل عملاً چند زنه می‌شوند. آری این است صورت صحیح مسئله چندهمسری؛ اما مبلغان شیوه‌های غربی حاضر نیستند صورت صحیح مسئله را طرح کنند و حقیقت را آشکارا بگویند. آن‌ها واقعا مدافع معشوقه‌گیری هستند. زن شرعی و قانونی را سرباز مزاحم می‌پندارند. یکی را هم زیادی می‌دانند چه رسد به دو زن، سه زن و چهار زن. لذت را در آزادی از قیود ازدواج می‌شناسند؛ اما در گفته‌های خود برای ساده‌دلان چنین وانمود می‌کنند، که ما مدافع تک‌همسری هستیم و با لحنی معصومانه بیان می‌کنند ما طرفدار آنیم که مرد، تک همسر و با وفا باشد. به هر حال حکم تعدد زوجات یک تصمیم و حکمی است دائمی که به منظور تأمین مصالح عمومی تشریح شده است» (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۱۳۷۰: ۲۸۹).



سوم. افزایش آمار زنان بی سرپرست در غرب

در بسیاری از کشورهای غربی ازدواج قانونی، بسیار کم رنگ شده و آمار خانواده‌های تک سرپرستی حاصل طلاق رو به ازدیاد است. و همین امر آسیب‌های روانی، اجتماعی زیادی را در پی داشته است. زنان مطلقه که سرپرست خانواده هستند رنج‌ها و سختی‌های طاقت فرسایی را متحمل می‌شود (Moynial, Moynial, Family and Nation: the Godkin lectures, 2004, p. 6).

تأمین اقتصادی خانواده وظیفه سنگینی است که بر زن تحمیل می‌شود و ممکن است وی به منظور تأمین مخارج زندگی، زنانگی و کرامت زن نیز دستخوش ناملایمات و ناهنجاری‌های اجتماعی شود.

چهارم. رواج همجنس‌گرایی

«ممنوعیت تعدد زوجات در کشورهای غربی مانند انگلستان و رواج همجنس‌گرایی حقیقتی است که وجود دارد و نمی‌توان آن را انکار کرد. به عقیده آن‌ها اگر یک مرد علاوه بر زن خود، یک زن قانونی دیگر داشته باشد جایز نیست؛ اما اینکه برای زن شریکی از جنس مرد بیاورد عمل شرافتمندانه‌ای است. راهی که دنیای غرب در رابطه با ازدواج، روابط زناشویی و خانوادگی در پیش گرفته همین تبعات را به دنبال دارد که امروزه بیش از پیش نظاره‌گر آن هستیم» (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۱۳۷۰: ۴۱۶).

اینکه افتخار جوامع غربی سیستم تک همسری است موجب غفلت از حقایق پشت پرده این ممالک نمی‌شود. در جوامع غربی به ظاهر متمدن اگر چه در قوانین الزام به تک همسری است؛ اما در حقیقت مردها به معشوقه‌گرایی و ایجاد روابط نامشروع می‌پردازند. رواج این امر نه تنها موجب بالا رفتن جایگاه زنان نشده؛ بلکه با استفاده ابزاری از زن، روح و جسم وی را مورد تعرض قرار داده و آن را کالای صرف برای برآوردن نیازهای جنسی خود بدون قید و بند و تکفل مسئولیت‌های زندگی مشترک قرار داده است. این در حالی است که تعدد زوجات در اسلام نه تنها موجب فروپاشی نظام خانواده و اجتماعی نشده؛ بلکه خود عامل مهمی در تحکیم سیستم تک همسری است. اگر چه با دلایل دینی و بعضاً عقلی مسئله چند همسری مورد تأیید است؛ اما این موضوع دلیلی بر رواج آن برای هر کسی در همه شرایط نیست. قرآن که بهترین و مهم‌ترین مدرک و سند است مسئله ازدواج مجدد را در شرایط خاص مطرح کرده است.

به نظر می‌رسد ممنوعیت تعدد زوجات در کشورهای غربی علاوه بر اینکه جایگاه زن را والا نبرده؛ بلکه زن را مانند دوره جاهلیت مورد استفاده ابزاری قرار داده و تحمل مسئولیت سنگین زندگی سرپرستی خانواده را به زن بی سرپرست یا مطلقه تحمیل کرده و بی مسئولیتی و عدم تعهد به زندگی



مشترک را برای مرد به ارمغان آورده است. آن گونه که معشوقه‌گرایی در فرهنگ غرب و آزادی بی‌قید و بند در روابط زن و مرد در غرب موجب افزایش هوسرانی مردان شده، تعدد زوجات در کشورهای اسلامی چنین هوسرانی را میان مردان مسلمان گسترده نکرده است. از جمله آسیب‌هایی که امروزه در کشور- های به ظاهر متمدن غربی گریبان خانواده و جامعه را گرفته، عدم تمایل مردها به ازدواج قانونی و پذیرش مسئولیت حقیقی زندگی، رواج بی‌بندوباری، افزایش زنان بی‌سرپرست، گسترش ناهنجاری- های اجتماعی در پی همجنس‌گرایی و... است که خسارات جبران‌ناپذیری را به نظام خانواده در این اجتماعات وارد کرده است.

نتیجه

۱- آنچه بدران با عنوان «تعدد زوجات» و نسبت آن به صورت عام به اسلام و جوامع اسلامی طرح کرده، چیزی جز دیدگاه و عقیده شخصی وی نیست. اگر چه اجرای ناصحیح قانون تعدد زوجات برخی خسارات منفی را به دنبال دارد، اما این آثار به طبع از آثار ویرانگر معشوقه‌گرایی و رواج روابط نامشروع در کشورهای مدعی رواج تک‌همسری بسیار ناچیز است.

۲- در نقد عقیده بدران باید بیان نمود وجود قانون تعدد زوجات در اسلام نه تنها سیستم تک‌همسری را به خطر نینداخته؛ بلکه خود افساری است بر هوس افسارگسیخته مردان؛ آنها می‌دانند در صورت بروز هر معضل در زندگی مشترک اسلام راه‌حل دیگری مانند ازدواج مجدد را پیش روی او قرار داده است، بنابراین کمتر رو به سوی معشوقه‌گرایی و رواج آسیب‌های اجتماعی می‌نهد.

۳- در اینکه اصل اولی در ازدواج تک‌همسری است، تردیدی نیست؛ زیرا آرمان خانواده وحدت و یگانگی در رابطه زناشویی است. به عبارتی تعدد زوجات ناشی از یک مشکل اجتماعی است، نه طبیعت ذاتی مرد، که البته تساوی نسبی زن و مرد در نظام تکوین این مطلب را تأیید می‌کند.

۴- تعدد زوجات در اسلام به معنای هوسرانی، استفاده ابزاری از زنان و الزام بر انجام آن نیست؛ بلکه دلایل و شرایطی در تحقق آن دخیل است: نازایی یا وجود بیماری‌های مقاربتی در زن، عدم تمکین زن از شوهر به دلیل مسائل روحی مانند جنون، افسردگی شدید و... از جمله دلایل و عدم ترس از اجرای عدالت از جمله شرایط تحقق آن است.

۵- اگر چه تعدد زوجات در اسلام برای همه افراد پیشنهاد نشده؛ اما در شرایط اضطرار کارکردهایی همچون: افزایش آمار ازدواج مشروع و روابط سالم در جامعه، افزایش کرامت و جایگاه زن، تکفل مسئولیت زن توسط مرد و کاهش آسیب‌های فردی و اجتماعی را به دنبال داشته است.



۶- سرپیچی از قوانین تعیین شده در اسلام به منظور اجرای تعدد زوجات از طرف سودجویان پی -
آمدهای سوئی همچون: رواج هوسرانی مردان، آسیب روحی به زنان، افزایش بی مسئولیتی مردان در قبال
تأمین دو یا چند زندگی مشترک و بی عدالتی میان زنان را در پی دارد.

۷- در کشورهای غربی اگر چه به ظاهر تعدد زوجات مرسوم نیست؛ اما نسبت به سایر جوامع
بیشتر شاهد افزایش آمار زنان مطلقه و بی سرپرست، بی مسئولیتی مردان در مقابل زنان، حجم فشار
روحی، عاطفی و اقتصادی زیادی بر زنان هستند.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، دارالقرآن الکریم، قم: چاپ دوم، ۱۳۷۳ ش.
۲. اردبیلی، احمد بن محمد، زبدة البیان فی احکام القرآن، تحقیق: محمد باقر بهبودی، المكتبة الجعفریه، تهران: بی تا.
۳. باجوری، جمال محمد فقی رسول، المرأة فی الفكر الاسلامی: الامانه العامه للثقافه الشباب، جامعه الموصل، موصل: ۱۹۸۶ م.
۴. پارسا، فروغ، نویسندگان برجسته دیدگاه «زن گرایانه اسلامی»، معاونت قرآن و عترت وزارت ارشاد، ۱۳۹۵ ش.
۵. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل المسائل الشریعه، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم: ۱۴۰۹ ق.
۶. حسن نیا، علی؛ آزادبختی، زینب؛ بستاکچی، افشان، «تحلیل انتقادی نظریه فمینیسم قرآنی مارگوت بدران در دائرة المعارف قرآن»، سفینه، پاییز، سال شانزدهم، شماره ۶۴، ۱۳۹۸ ش.
۷. —، موسوی مقدم، سید محمد؛ صیدی، محمود، «نقد نظریه الهیات فمینیستی در قرآن از دیدگاه قرآن و روایات»، فلسفه دین، دوره ۱۶، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۸ ش.
۸. زمخشری، محمود، الکشاف عن الحقائق غوامض التنزیل، دارالکتب العربی، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.
۹. صبوراردوبادی، احمد، قداست ذاتی در زن، انتشارات رسالت قلم، تهران: چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش.
۱۰. صدر، سید محمد، ماوراء الفقه، مصحح جعفر هادی دجیلی، دارالاضواء، بیروت: ۱۴۲۰ ق.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۷.
۱۲. طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن بن علی، التبیان فی تفسیر القرآن، کتب الاعلام الاسلامی، قم: ۱۴۰۹ ق.
۱۳. —، الخلاف، محقق علی خراسانی و دیگران، دفتر انتشارات اسلامی، قم: ۱۴۰۷ ق.
۱۴. عچرش، زینب، پایان نامه: «بررسی فقهی حقوقی تعدد زوجات»، استاد راهنما دکتر عبدالحسین رضایی راد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۸۹ ش.
۱۵. فضل الله، محمد حسین، زن از نگاهی دیگر، مترجم: مجید مرادی، ناشر شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به انتشارات امیر کبیر، تهران: چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش.
۱۶. قربانی زاده، یاسمین، «بررسی تطبیقی تعدد زوجات در حقوق اسلامی و حقوق رومی-ژرمنی و کامن لا با آثار میزان بر افزایش و کاهش فحشا»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر عباس، ۱۳۹۶ ش.
۱۷. قطب، سید بن، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق، ۱۴۱۲ ق.



۱۸. کریمی، محمدصادق، «بررسی کیفی تعدد زوجات در اسلام»، پایان نامه کارشناسی ارشد، جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی فقه، مدرسه عالی فقه تخصصی، ۱۳۹۸ ش.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۸۸ ش.
۲۰. گراگلیا، کارولین، فیمینیسیم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، تلخیص معصومه محمدی، ۱۳۸۵ ش.
۲۱. لوبون، گوستا، تاریخ تمدن اسلام و غرب، ترجمه: هاشم حسینی، تهران: ۱۳۶۴ ش.
۲۲. محقق داماد، سیدمصطفی، حقوق خانواده، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران: چاپ سوم، ۱۳۸۴ ش.
۲۳. مردانی، خیرالله، حقوق زن، انتشارات آیین جعفری، تهران: ۱۳۵۸ ش.
۲۴. مصباح یزدی، محمدتقی، تهاجم فرهنگی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمة الله علیه، قم: چاپ یازدهم، ۱۳۸۹ ش.
۲۵. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات: صدرا، تهران: ۱۳۷۰ ش.
۲۶. مک اولیف، جین دامن، دایرةالمعارف قرآن لیدن، (بدران، مقاله مدخل «فمینیسم و قرآن») ترجمه: حسین خندق آبادی، انتشارات حکمت، تهران: ۱۳۹۵ ش.
۲۷. منتسکیو، شارل دو، روح القوانين، ترجمه: علی اکبر مهتدی، انتشارات امیر کبیر، تهران: ۱۳۶۹ ش.
۲۸. مولر آکین، سوزان، زن از دیدگاه فلسفه سیاسی غرب، ترجمه ن. نوری زاده، تهران: ۱۳۸۶ ش.
۲۹. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، تحقیق و تعلیق: محمود القوچانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت: بی تا.
۳۰. نوری همدانی، حسین، جایگاه بانوان در اسلام، انتشارات مهدی موعود^{علیه السلام}، قم: چاپ سوم، ۱۳۸۴ ش.
۳۱. وحدانی، هادی، «بررسی دیدگاه مستشرقان در مورد آیات تعدد زوجات»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی مشهد، ۱۳۹۵ ش.
32. Badran, Morgot, Islamic Feminism: What's In Name? Al Ahram Weekly online 569. January, in <http://www.weekly. Ahram.org> Webster, webster encyclopedic unabridged dictionary, 2002.
33. Carl N. Degler, At Odds: Women and The Family in American from the Revolution to the Present, 1980.
34. Danial Patrick Moynial, Family and Nation: the Godkin lectures, Harvard University (San Diego: Harcaurt Brace Jovanovich, 1986.
35. Temple-Smith, Meredith & Susan Moore, & Doreen Rosenthal, "Sexuality in Adolescence: The Digital Generation", Taylor & Francis Group, ISBN(ebk): 978-1-315-84934-8, 2016.
36. Trivedi, J. K & Himanshu Sareen, & Mohan Dhyani, "Psychological Aspects of Widowhood and Divorce", Mens Sana Monogr, Jan-Dec; 7(1), 2009.

Resources:

1. Holy Quran, Translated by Makarem Shirazi, Naser, Dar al-Quran al-Karim, Qom: 2nd Edition, 1994.
2. Acharesh, Zaynab, Thesis: “*Jurisprudential Examination of Polygamy*”, Supervisor Dr. Abdul Hossein Rezaeirad, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, 2010.
3. Ardabili, Ahmad bin Muhammad, *Zubdah al-Bayan in the Rules of the Quran*, Research: Muhammad Baqir Behbudi, Al-Maktabah al-Ja'fariyyahh, Tehran: n.d.
4. Badran, Morgot, *Islamic Feminism: What's In Name?* Al Ahram Weekly online 569. January, in <http://www.weekly.Ahram.org> Webster, webster encyclopedic unabridged dictionary, 2002.
5. Bajuri, Jamal Muhammad Faqi Rasool, *Women in Islamic Thought*, Al-Amanah al-Ammah li al-Thaqafah al-Shabab (General Department of Youngster Culture), University of Al-Mosul, Mosul: 1986.
6. Carl N. Degler, *At Odds: Women and The Family in American from the Revolution to the Present*, 1980.
7. Danial Patrick Moynial, *Family and Nation: the Godkin Lectures*, Harvard University (San Diego: Harcaurt Brace Jovanovich, 1986.
8. Fazlullah, Muhammad Hossein, *Woman from Another Perspective*, Translator: Majid Moradi, Publisher of the International Publishing Company Affiliated with Amir Kabir Publications, Tehran: 2nd Edition, 2006.
9. Graglia, Carolyn, *Feminism in America until 2003*, Summary by Masoumeh Mohammadi, 2006.
10. Hassania, Ali, Musavi Moqaddam, Seyyed Muhammad; Sa'eedi, Mahmoud, “*Criticism of Feminist Theological Theory in the Quran from the Perspective of the Quran and Hadiths*”, Philosophy of Religion, Volume 16, Number 4, Winter 2018.

11. Hassania, Ali; Azadbakhti, Zainab; Bostakchi, Afshan, “*Critical Analysis of Margot Badran’s Theory of Quranic Feminism in Quran Encyclopedia*”, Safinah, Fall, Year 16, Number 64, 2019.
12. Hurr Ameli, Muhammad bin Hassan, *Wasail al-Shia ila Tahsil al-Masail al-Shariah*, Alul-Bayt Institute, Qom: 1409 AH.
13. Karimi, Muhammad Sadiq, “*Criminal Investigation of Polygamy in Islam*”, Master’s Thesis, Al-Mustafa International University, Fiqh Higher Education Complex, Specialized Jurisprudence Department, 2019.
14. Kulayni, Muhammad bin Yaqub, *Usul Kafi*, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: 2009.
15. Le Bon, Gustave, *History of Islamic and Western Civilization*, Translated by Hashim Hosseini, Tehran: 1985.
16. Mardani, Khairullah, *Women’s Rights*, Ayain Jafari Publications, Tehran: 1979.
17. McAuliffe, Jane Daman, *Leiden Quran Encyclopedia*, Translated by Hossein Khandaqabadi, Hekmat Publishing House, Tehran: 2016.
18. Misbah Yazdi, Muhammad Taqi, *Cultural Invasion*, Publications of Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom: 11th Edition, 2010.
19. Mohaqqia Damad, Seyyed Mustafa, *Family Law*, Islamic Sciences Publishing Center, Tehran: 3rd Edition, 2015.
20. Montesquieu, Charledo, *The Spirit of Laws*, Translated by Ali Akbar Muhtadi, Amir Kabir Publishing House, Tehran: 1990.
21. Motahhari, Murtaza, *Women’s Rights System in Islam*, Sadra, Tehran: 1991.
22. Muller Akin, Susan, *Woman from the Perspective of Western Political Philosophy*, Translated by N. Nourizadeh, Tehran: 2007.
23. Najafi, Muhammad Hassan, *Jawahir al-Kalam*, Research and Notes: Mahmoud al-Quchani, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: n.d.
24. Nouri Hamadani, Hossein, *The Place of Women in Islam*, Mehdi Mou’ud Publications, Qom: 3rd Edition, 2005.



25. Parsa, Forough, *Prominent Authors of the "Islamic Feminist" Perspective*, Vice-Chancellor of Quran and I'trat, Ministry of Guidance, 2016.
26. Qurbanizadeh, Yasmin, "*Comparative Study of Polygamy in Islamic Law and Roman-Germanic Law and Common Law with the Effects of Measurement on the Increase and Decrease of Prostitution*", Master's Thesis, Islamic Azad University, Bandar Abbas Campus, 2017.
27. Qutb, Seyyed, *Faizal al-Quran*, Beirut: Dar al-Shoroq, 1412 AH.
28. Sabour Ordubadi, Ahmad, *Inherent Holiness in Women*, Resalat Qalam Publications, Tehran: 2nd Edition, 2007.
29. Sadr, Seyyed Muhammad, *Mawra al-Fiqh (Beyond the Jurisprudence)*, Edited by Ja'far Hadi Dujayli, Dar al-Azwa, Beirut: 1420 AH.
30. Tabatabai, Seyyed Muhammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsiir al-Quran*, Jamia Madarrisin, Qom, n.d.
31. Temple-Smith, Meredith & Susan Moore, & Doreen Rosenthal, "*Sexuality in Adolescence: The Digital Generation*", Taylor & Francis Group, ISBN(ebk): 978-1-315-84934-8, 2016.
32. Trivedi, J. K & Himanshu Sareen, & Mohan Dhyani, "*Psychological Aspects of Widowhood and Divorce*", Mens Sana Monogr, Jan-Dec; 7(1), 2009.
33. Tusi, Abu Ja'far Muhammad bin Al-Hassan bin Ali, *Al-Tibyan fi Tafsiir al-Quran*, Kutub al-A'lam al-Islam, Qom: 1409 AH.
34. Tusi, Abu Jafar Muhammad bin Al-Hassan bin Ali, *Al-Khilaf*, Research: Ali Khorasani et. al., Islamic Publications Office, Qom: 1407 AH.
35. Vahdani, Hadi, "*Evaluation of Orientalists' Views on the Verses of Polygamy*", Master's Thesis, Quranic Sciences and Education University, Mashhad Faculty of Quranic Sciences, 2016.
36. Zamakhshari, Mahmoud, *Al-Kashshaf an al-Haqaiq Ghawamiz al-Tanzil (Disctorry of the Realities on Quranic Ambiguous Verses)*, Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut: 3rd Edition, 1407 AH.